

۳۶- اعتراف به گناه و ستایش خداوند ﷻ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ دَعَوْتَنِي إِلَى النَّجَاةِ فَعَصَيْتُكَ، وَدَعَانِي عَدُوُّكَ إِلَى الْهَلَاكَةِ فَاجَبْتُهُ، فَكَفَى مَقْتًا عِنْدَكَ أَنْ أَكُونَ لِعَدُوِّكَ أَحْسَنَ طَاعَةٍ مِنِّْي لَكَ، فَوَاسُوَاتَاهُ إِذْ خَلَقْتَنِي لِعِبَادَتِكَ، وَوَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ، فَاسْتَعَنْتُ بِهِ عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَأَنْفَقْتُهُ فِي غَيْرِ طَاعَتِكَ.

خداوندا تو مرا به رستگاری فراخواندی و من تو را نافرمانی کردم، و دشمنت مرا فراخواند به هلاکت و من او را اجابت نمودم، پس، برای ناخشنودی تو این بس که به دشمنت فرمانبرتر باشم. نسبت به تو، پس بدا به حال من که مرا برای عبادتت آفریدی و از روزی ات بر من وسعت بخشیدی، و من از آن، برای معصیت تو یاری جستم، و آن را در غیر طاعتت مصرف کردم.

ثُمَّ سَأَلْتُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ مَا كَانَ مِنِّي أَنْ عُدْتَ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ، فَأَوْسَعْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ، وَأَتَيْتَنِي أَكْثَرَ مَا سَأَلْتُكَ، وَلَمْ يَنْهِنِي حِلْمُكَ عَنِّي وَعِلْمُكَ بِي، وَقُدْرَتُكَ عَلَيَّ، وَعَفْوُكَ عَنِّي مِنَ التَّعَرُّضِ لِمَقْتِكَ، وَالتَّمَادِي فِي الْعُيِّ مِنِّْي، كَأَنَّ الَّذِي تَفَعَّلَهُ بِي آرَاهُ حَقًّا وَاجِبًا عَلَيْكَ، فَكَأَنَّ الَّذِي نَهَيْتَنِي عَنْهُ أَمَرْتَنِي بِهِ، وَكَوْ شِئْتَ مَا تَرَدَّدْتَ إِلَيَّ بِإِحْسَانِكَ، وَلَا شَكَرْتَنِي بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَلَا أَخَرْتَ عِقَابَكَ عَنِّي بِمَا قَدَّمْتُ يَدَايَ، وَلَكِنَّكَ شَكُورٌ، فَعَالَ لِي مَا تُرِيدُ.

آنگاه از فضل تو فزونی از تو خواستم، پس تو را بازداشت آنچه من انجام داده بودم که با حلم خود به سوی من بازگشتی، پس از رزق خود بر من وسعت بخشیدی، و به من دادی بیشتر از آنچه از تو درخواست کرده‌ام و مرا بازداشت حلم تو نسبت به من و آگاهی ات نسبت به من، و قدرتت بر من و عفوت نسبت به من، از تعرض به ناخشنودی ات، و لجاجت در گمراهی ام، گویی که آنچه در مورد من انجام می‌دهی حق من است و بر تو واجب می‌دانم، که گویی آنچه مرا از آن بازداشته‌ای، مرا دستور داده‌ای به آن، و اگر می‌خواستی به احسانت نسبت به من اقدام نمی‌کردی و مرا سپاس نمی‌گفتی، با نعمتت بر من و کيفرت را از من تأخیر نمی‌انداختی بسبب آنچه خود کرده‌ام ولی تو بسیار سپاسگزار و انجام دهنده هر چه را که اراده کنی.

فِيَا مَنْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً، إِرْحَمْ عَبْدَكَ الْمَتَعَرِّضَ لِمَقْتِكَ، الدَّاخِلَ فِي سَخَطِكَ، الْجَاهِلَ بِكَ، الْجَرِيءَ عَلَيْكَ، رَحْمَةً مَنَنْتَ بِهَا إِلَى أَحْسَنِ طَاعَتِكَ وَأَفْضَلِ عِبَادَتِكَ، إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ، عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرءِ وَقَلْبِهِ، حُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ التَّعَرُّضِ لِسَخَطِكَ، وَأَقْبِلْ بِقَلْبِي إِلَى طَاعَتِكَ، وَأَوْزِعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْحَقِيقِي بِالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ.

پس ای آنکه فرا گرفته هر چیزی را از جهت رحمت، رحم کن بر بنده تعرض کننده به ناخشنودیات، واردشونده به خشم، جاهل نسبت به تو، گستاخ بر تو، رحمتی که با آن منت نهاده‌ای بر بهترین طاعت و برترین عبادت، که تو دارای لطف فراوان هستی به آنچه می‌خواهی، بر هر چیزی توانایی، ای آنکه میان شخص و قلبش مانع می‌شود، میان من و متعرض شدن به خشم، مانع شو و متوجه کن قلبم را به سوی طاعت و الهام کن مرا سپاس نعمت را و مرا ملحق ساز به نیکوکاران از بندگانت.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَالًا طَيِّبًا كَثِيرًا فَاضِلًا لَا يُطْغِينِي، وَتِجَارَةً نَامِيَةً مُبَارَكَةً لِاتْلِيهِنِي، وَقُدْرَةً عَلَى عِبَادَتِكَ، وَصَبْرًا عَلَى الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ، وَالْقَوْلَ بِالْحَقِّ، وَالصَّدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا، وَسَنَانَ الْفَاسِقِينَ، وَأَعْنِي عَلَى التَّهْجِدِ لَكَ بِحُسْنِ الْخُشُوعِ فِي الظُّلَمِ، وَالتَّصَرُّعِ إِلَيْكَ فِي الشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ فِي الْهُوَاجِرِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ.

خداوندا، مرا از فضل خود روزی فرما مال پاک فراوان افزونی که مرا به طغیان نکشاند و تجارت رشد کننده مبارکی که مرا مشغول نسازد، و توانایی بر عبادت، و بردباری بر عمل به طاعت، و گفتن به حق و صداقت در همه مواضع، و دشمن داشتن فاسقان و مرا یاری ده بر شب زنده داری در طاعت برای تو با خشوع نیکو در تاریکی‌ها، و تضرع و التماس به سوی تو در سختی و رفاه و برپای داشتن نماز و دادن زکات و روزه داشتن در شدت گرما به خاطر رضای تو.

وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَةً وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي لِذَنْبِ رَكْبَتِهِ، وَلَا لِسَيِّئَةِ آتِيئِهَا، وَلَا لِفَاحِشَةٍ أَنَا مُقِيمٌ عَلَيْهَا رَاجٍ لِلتَّوْبَةِ عَلَيَّ مِنْكَ فِيهَا، وَلَا لِخَطَاٍ وَعَمْدٍ كَانَ مِنِّي عَمَلْتُهُ أَوْ أَمَرْتُ بِهِ، صَفَحْتَ لِي عَنْهُ أَوْ عَاقَبْتَنِي عَلَيْهِ، سَتَرْتَهُ عَلَيَّ أَوْ هَتَكْتَهُ، وَأَنَا مُقِيمٌ عَلَيْهِ أَوْ تَائِبٌ إِلَيْكَ مِنْهُ.

و نزدیک ساز مرا به خودت از جهت منزلت، و از من روی مگردان به خاطر گناهی که مرتکب شده‌ام و یا بدی که کرده‌ام و یا کار ناپسندی که من بر آن ادامه می‌دهم به امید توبه‌ای که تو در آن نسبت به من داشته باشی و نه برای خطا یا تعمدی که داشته‌ام آن را انجام داده یا به آن دستور داده‌ام، و گذشت کرده‌ای برایم از آن، یا بر آن کیفرم داده باشی، بر من پوشانده‌ای آن را و یا پرده آن را دریده باشی در حالی که من بر آن ادامه می‌دهم و یا اینکه از آن به سوی تو، توبه نموده باشم.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ لَمَّا طَهَّرْتَنِي مِنَ الْأَفَاتِ، وَعَافَيْتَنِي مِنَ الْإِثَامِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ عَلَيَّ،
وَنَظَرَةٍ مِنْكَ إِلَيَّ تَرْضَى بِهَا عَنِّي، وَصِيَانَتِكَ لِي بِنِعْمَةٍ مَوْصُولَةٍ بِكَرَامَةٍ تَبْلُغُ بِي شَرَفَ الْجَنَّةِ، وَمُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ
بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

از تو می‌خواهم به حق واجب بر همه آفریدگانت که مرا پاک کنی از آفت‌ها و عافیت دهی از انجام گناهان،
با توبه‌ای از تو بر من، و نگاهی از تو به سوی من که با آن از من خشنود شوی، و مرا نگهداری با نعمتی پیوسته
به کرامتی که مرا برساند به شرافت بهشت، و همراهی حضرت محمد و اهل بیتش، که صلوات خداوند بر او و
برآنان باد، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.